

نقد دیدگاه برقعہ ای در تقدم رتبی پیامبر اکرم (ص) در دعای ندبه

استاد راهنما: اعظم پورپونیه

طیبه حقیقی، مرضیه خزائیل

مدرسه علمیه فاطمیه سلام الله علیها نجف آباد استان اصفهان

چکیده

از مزایای مهم مکتب اهل بیت (علیهم السلام) دعاهاى بسیار عالی‌ای است که راه و رسم خودسازی و «سیر و سلوک الی الله» را به ما می‌آموزد. یکی از این دعاها که نجوای عاشقانه‌ای برای دلدادگان و رمزی برای هر شیعه منتظر است دعای ندبه می‌باشد که با زمزمه آن برای وجود نازنین امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دعا می‌کند و عشق و ارادت خویش را به آن حضرت نشان می‌دهد و با یک دوره فشرده از تاریخ پیامبران و دلایل ولایت امیر مؤمنان علیه السلام آشنا می‌شود. در این بین بعضی از معاندین مانند ابوالفضل برقعہ‌ای از قرآنیون معاصر در کتاب «دعای ندبه و خرافات آن» با استناد به آیات قرآن و دلایل عقلی و تاریخی نسبت به مطالبی که در این دعا آمده است خدشه وارد می‌کند. در این پژوهش سعی شده با بیان برخی از این اشکالات با استناد به آیات قرآن و تفاسیر فریقین، به ویژه تفاسیر اهل سنت شبهات وارده مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

کلید واژه ها: ابوالفضل برقعہ‌ای، تفاسیر، دعای ندبه، قرآن

یکی از تالیفات ابوالفضل برقعهای از قرآنیون معاصر کتاب «دعای ندبه و خرافات آن» می باشد. ایشان در این کتاب نسبت به مطالبی که در این دعا آمده است خدشه وارد می کند. در این پژوهش به بیان برخی از این اشکالات و پاسخ های متناسب با آن پرداخته می شود. از جمله اشکال ایشان فراز «قدمته علی أنبیائک» است. که می فرماید: خدایا تو محمد (صلی الله علیه وسلم) را بر انبیا مقدم داشتی. و این برخلاف قرآن و عقل و تاریخ است زیرا قرآن می گوید: محمد (صلی الله علیه وسلم) از انبیاء دیگر مؤخر است. ایشان برای اثبات ادعای خود از شواهد قرآنی نیز بهره می برد. مانند آیه ۱۸۴ سوره آل عمران که قرآن فرموده است: «فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ» و آیه ۱۰ سوره انعام: «وَلَقَدْ اسْتَهْزِیْءَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ» و صد آیه دیگر.

ایشان می گوید: «اگر کسی بگوید تقدم در این دعا بمعنی تفضیل و برتری و شرافت است»؛ جواب این است که خیر چنین نیست زیرا تفضل و برتری را در جمله دیگر آورده و گوید «وَأَفْضَلُ مِنْ اجْتَبِیْتَهُ».

شبهه دیگری که ایشان بیان می کند این است که خدای تعالی به رسول خود فرموده: «خَلَقْنَاكُمْ مِّن تَرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ» و یا «خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِّن نُّطْفَةٍ» ولی خرافاتیان می گویند «خیر الأنام» یعنی از نور خلق شده اند قبل از خلقت کون و مکان خدا ایشان را از نور خود خلق نمود، معلوم نیست قبل از مکان آن نور چگونه بی مکان بوده است. در این پژوهش سعی بر این است که پاسخ این شبهات از کتاب با استناد به آیات قرآن و تفاسیر فریقین، به ویژه از دیدگاه مفسران اهل سنت مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

مطالعه و پژوهش پیرامون ادعیه و تطبیق آن با آیات قرآن (ع) از گزینه های مورد اهتمام پژوهشگران است که در بررسی به عمل آمده در خصوص دعای ندبه که پژوهش حاضر حول این دعای شریف است؛ پژوهش های زیادی انجام شده که همگی قابل تحسین است از جمله مقالاتی که ملاحظه گردید: مقاله «مستندات قرآنی دعای ندبه» توسط آقای سلیم گندمی که به توضیحات کلی در باره آیین های عبادی روز جمعه به ویژه دعای ندبه و ارتباط آن با ۱۰۴ آیه قرآن که با کلمات دعای ندبه پرداخته است.

هم چنین مقاله ای از کاوس روحی برندق و محبوبه سرمدی با عنوان سیمای پیامبر (ص) و جایگاه اهل بیت ایشان (ع) در آیین دعای ندبه تالیف شده است. و نیز واکاوی برجسته ترین جلوه های تشابه محتوایی و لفظی آیات قرآن و دعای ندبه نوشته مهیار خانی مقدم که به واکاوی ارتباط های پیدا و پنهان میان «قرآن» و «دعای ندبه»، در جهت تبیین برجسته ترین جلوه های تشابه محتوایی و لفظی آن دو پرداخته است. مقاله دیگر بررسی

عناصر سه‌گانه فکری، شکلی و ساختاری دعای ندبه از آقای احمد محمدیان، سید ابوالقاسم حسینی، حمید حسینی به چشم می‌خورد.

«دکترین آینده جهان در پرتو دعاهاى ندبه، افتتاح و عهد؛ دستاورد تحلیل محتوای کیفی» به قلم حبیب رضا ارزانی، وحید قاسمی، فاطمه سادات پورنقی که در آن سعی شده، مولفه های آینده جهان در دعاهاى «ندبه»، «افتتاح» و «عهد» را با روش تحلیل محتوای کیفی، استخراج شود. مقاله «دعای ندبه تصویرگر آینده روشن جهان» نیز توسط علی ربانی، فاطمه سادات پورنقی به رشته تحریر درآمده است.

از دیگر مقالات که در تحلیل نظرات آقای برقعہ ای به رشته تحریر درآمده است: «تحلیل و نقد دلایل ابوالفضل برقعی درباره قرآن بسندگی در هدایت بشر» نوشته فریدون محمدی فام، مهدی فرمانیان، هم چنین «نگاهی نقادانه به دیدگاه سید ابوالفضل برقعی درباره روایات ازدیاد علم ائمه از کتاب الکافی» نویسندۀ بشیر سلیمی، مقاله «نگاهی به روش تفسیری ابوالفضل برقعی» نویسندۀ زینب اقارب پرست، هم چنین «اعتبارسنجی دیدگاه سید ابوالفضل برقعی در نسبت دادن تحریف قرآن به شیعه» نویسندۀ مسئول سید مجید نبوی؛ علی حسن بگی، مجید معارف، کیوان احسانی هم چنین «تبیین خطای روشی ابوالفضل برقعی در ردّ آیه استخلاف» به نویسندگی میرزا مهدی نژاد، عبدالهادی فقهی زاده به رشته تحریر درآمده است اما بررسی مقالات و کتب نشان می‌دهد در خصوص نقد کتاب «خرافات دعای ندبه» کتاب یا مقاله ای نوشته نشده است. در این پژوهش بخش اول این کتاب مورد نقد قرار گرفته است.

مفهوم شناسی

۱- ابوالفضل برقعہ ای

ابوالفضل برقعی جزو مسلمانان (قرآنی) بود که در ۴۵ سالگی، این ایده را که در مذهب شیعه، خرافات زیادی وجود دارد که برخلاف تعلیمات قرآن هستند را مطرح کرد. و به گفته خودش، سعی کرد تا با این خرافات، مبارزه کند. از آن به بعد، وی اصلاحاتی در نظرهای خود ایجاد کرد؛ از جمله مخالفت با بزرگ نمایی علی بن ابیطالب، زیر سؤال بردن توسل به امامان و محدود کردن خمس تنها برای غنایم جنگی، همچنین او انتقاداتی نیز به حوزه علمیه و برخی روحانیان کرد. چون برخی از کتابهای محمد بن عبدالوهاب و ابن تیمیه را به فارسی ترجمه کرد و از آرای ایشان حمایت می‌کرد، وی را به وهابی بودن متهم کردند هر چند خود برقعی این اتهام را به شدت رد می‌کرد.

اخیراً اکثر آثار وی در خارج از ایران و به‌طور عمده توسط منابع اهل سنت منتشر شده‌است. از جمله کتابهای وی؛ درسی از ولایت، عرض اخبار اصول بر قرآن و عقول، تابشی از قرآن، اصول دین از نظر قرآن، خرافات وفور

در زیارات قبور، بررسی علمی در احادیث مهدی، تضاد مفاتیح الجنان با قرآن، دعا‌هایی از قرآن، دعای ندبه و خرافات آن، می باشد.

۲-واژه قدم

واژه «قدمت» از قَدَم به معنای سبقت در امر است. (جوهری، ۱۳۸۷، ج ۱۷، ص ۵۵۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ق، ج ۱۲، ص ۴۶۵) و تَقَدَّمَ به معنای پیشی داشتن است. راغب پیشی جستن را چهار وجه می داند. الف- پیشی داشتن مکانی، ب- پیشی داشتن از نظر زمان، ج- پیشی داشتن در خاطره و ذکر، د- پیشی جستن در مقام و منزلت. به بیان او حدیث و قدیم هم یا به اعتبار زمان گفته می شود و یا به اعتبار شرافت و بزرگواری. (راغب، ۱۴۱۲، ق، ج ۳، ص ۱۴۸) برای مثال «قدم» در آیه قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ یعنی سابقه فضیلت و منزلت رفیع و خیر در پیشگاه پروردگار و منزلت رفیع. (فراهیدی، ۱۴۰۹، ق، ج ۵، ص ۱۲۲؛ جوهری، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۵۵۳) واژه قَدَمْتُ که در این فراز دعای ندبه آمده است؛ اسم فاعل یا اسم مفعول است که به باب رفته است. (فیومی، ۱۴۱۴، ق، ج ۲، ص ۴۹۲) بنابراین معلوم می گردد که واژه «قدمته» هم می تواند دلالت بر تقدم زمانی و هم دلالت بر تقدم در شرافت و منزلت باشد و با توجه به سیاق معنای آن متفاوت است بنابراین نمی توان آن را فقط به تقدم زمانی تعبیر کرد.

مناقشه در اشکال اول

اشکال اولی که آقای ابوالفضل بر قعه ای نسبت به دعای ندبه داشته اند؛ این است که ایشان درباره فراز «قدمته علی أنبیائک» که می فرماید: خدایا تو محمد (صلی الله علیه وسلم) را بر انبیا مقدم داشتی؛ اذعان می کنند که این عبارت، برخلاف قرآن و عقل و تاریخ است زیرا قرآن می گوید محمد (صلی الله علیه وسلم) از انبیاء دیگر مؤخر است. ایشان برای اثبات ادعای خود از شواهد قرآنی نیز بهره می برد. مانند آیه ۱۸۴ سوره آل عمران که قرآن فرموده است: «فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولٌ مِّنْ قَبْلِكَ» و آیه ۱۰ سوره انعام: «وَلَقَدْ اسْتَهْزَيْءَ بِرَسُولٍ مِّنْ قَبْلِكَ» و صد آیه دیگر که دلالت بر تاخر زمانی حضرت از پیامبران دیگر است. ایشان می گوید: «اگر کسی بگوید تقدم در این دعا به معنی تفضیل و برتری و شرافت است» جواب این است که خیر چنین نیست؛ زیرا تفضل و برتری را در جمله دیگر آورده و قبل از آن می گوید «وَأَفْضَلُ مِنْ اجْتَبَيْتَهُ» بنابراین تفضل و برتری را در جمله قبل آورده است. پاسخ به این اشکال را با افضلیت مقام رتبی حضرت را با توجه به آیات قرآن اثبات می شود. اما بایستی بیان کرد ایشان تلویحاً این تقدم رتبی را پذیرفته اند زیرا در ادامه می گویند: اگر دلالت بر شرافت و منزلت رتبی است در عبارت «وَأَفْضَلُ مِنْ اجْتَبَيْتَهُ» آمده است. بنابراین جواب اشکال ایشان را بایستی اثبات این برتری در آیات قرآن جستجو و اثبات کرد.

۱- اثبات مقام رتبی پیامبر

برای نقد کلام برقعہ ای و تبیین جایگاه رتبی پیامبر اکرم شواهد قرآنی فراوانی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می شود .

- فضیلت انبیا و تقدم رتبی پیامبر اکرم (ص)

یکی از آیاتی که دلالت بر مقام رتبی انبیاء و نیز تقدم رتبی رسول اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) دارد؛ آیه ۲۵۳ سوره بقره است که می فرماید: «تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» (۲۵۳) (بعضی از آن رسولان را بر بعضی دیگر برتری دادیم). برخی مفسران «تلك» را استیناف و مشعر به ترقی بیان می کند و وجه الحاق این آیه به آیه قبل که می فرماید: «إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ» را دلالت بر افضلیت حضرت محمد (صلی الله علیه و اله) که از جمله رسولان الهی است؛ بیان می کند. (الوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴) گرچه کلمه «تلك» که ضمیر اشاره به دور است به دلیل احترام به امر رسولان الهی و مقام والای ایشان است. و رسالت فی نفسه فضیلتی است که در همه آنان هست و تمام پیامبران در اصل نبوت و نیز در این که خداوند همه آنان را برای تبلیغ رسالت و هدایت خلق خود برگزیده است یکسانند، اما در خصوصیات با یکدیگر متفاوتند و همین باعث تفاوت رتبی آنان است. (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۴۷۰) مفسران فریقین عبارت «رَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ» را در ادامه آیه ۲۵۳ بقره را نیز دلالت بر افضلیت پیامبر اسلام بیان می کنند؛ که خدا درجات او را بلند کرد، و بر تمامی انبیا برتری داد. (طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۱، ص ۴۶۰) این درجه، از نوع درجات حقیقی است که مخصوص انبیا و اولیای الهی (علیهم السلام) که در میزان درجات و نوع آن، برخی بر بعضی دیگر برتری دارند و مظهر اتم رفیع الدرجات، وجود مبارک رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) است. (جوادی آملی، ۱۳۷۸، جلد ۱۲، ص ۵۰)

- وعده افضلیت پیامبر (ص) در زبور حضرت داود (ع)

آیه ۵۵ سوره اسرا نیز اشاره به فضیلت انبیا بر یکدیگر دارد. «وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا» (۵۵) (پروردگارتان دانایتر به هر کسی است که در آسمانها و زمین است و ما بعضی پیامبران را بر بعضی دیگر برتری دادیم و به داوود زبور دادیم) (۵۵).

در این سوره مشرکان مکه نسبت به نبوت حضرت رسول اکرم به جهت عدم دارایی های دنیوی معترض بودند و این آیه در حقیقت فضایل انبیاء را از باب فضایل نفسانیه و نزول کتابهای آسمانی و ملکات قدسیه بیان می کند .

کننده ومهمین وبه دور بودن از تحریف از مختصات وویژگی های قرآن است که از افضلیت آورنده آن به عنوان معجزه خبر می دهد .

۴-مناقشه دوم بیان این تقدم در فراز قبلی یعنی «افضل من اجتبته» دعای ندبه است که بیان می کند این تقدم رتبی در این فراز بیان شده وجالب اینجاست که مولف کتاب تلویحا این تقدم رتبی را می پذیرد واذعان می کند که این معنا در این فراز بیان شده ولازم به تکرار آن نیست ودر فراز بعدی این معنا را مورد خدشه قرار می دهد . اما پاسخ از این مناقشه این است که به لحاظ ادبی برای بیان مطلبی تکرار به الفاظ وعبارات دیگر منافاتی با تغییر معنا ندارد وبلکه نشان از وسعت کلمات گوینده ونشان از فصاحت وبلاغت اوست . علاوه برآن با توجه به معنای «اجتبا»وکاربرد آن در آیات قرآن این واژه دلالت بر برگزیدن از میان مردم است . در حالی که فراز «قدمته علی انبیائک» دلالت بر تقدم رتبی حضرت نسبت به انبیا دیگر است که با تأمل جزئی مفهوم حاصل می گردد.

۵-مناقشه سوم در خصوص خلقت حضرت که مانند همه انسانها از نطفه خلق شده اند وچگونه است که در برخی روایات اشاره به خلقت ایشان از نور است .پاسخ از این اشکال به دو وجه خلقت انسان که خلقت عنصری و خلقت روح او برمی گردد . گرچه برخی از انبیا مثل حضرت آدم خلقت عنصری آنه از خاک بوده وشباهت خلقت حضرت عیسی (ع) نیز مانند حضرت آدم بیان شده بالین حال خلقت روح نیز دارای مراتبی است وآنچه که مربوط به حواس ظاهری است در بیان قرآن به سمع وبصر تعبیر شده است اما حواس باطنی به قلب وفواد تعبیر می گردد تفاوت حواس ظاهری وباطنی در این است که حواس ظاهری متأثر از زمان وحدوث است؛ در حالی که حواس باطنی که به قلب وعقل تعبیر می شود متأثر از زمان وحدوث نمی باشد وبنابراین پیامبر اکرم (ص) به عنوان کامل ترین انسانها به عنوان عقل اول وصادر اول از نور الهی که مظهر هدایت است که می فرماید : الله نو السموات والارض خلق شود وخود نیز سراج منیر ومظهر هدایت انسانها قرار گیرد.

۶-مناقشه چهارم در خصوص وجه تسمیه حضرت به نور است که با توجه به آیه ۴۰ سوره احزاب خداوند متعال او را سراج منیر می خواند و از دیدگاه مفسران فریقین دلالت بر هدایت گری حضرت دارد که با توجه به اثبات تقدم رتبی حضرت، خلقت نوری حضرت وتقدم هدایت گری قابل اثبات است به علاوه روایات متعددی از سوی مفسران اهل سنت در این خصوص بیان شده که نشان می دهد بر خلاف دیدگاه مولف «دعای ندبه وخرافات آن» این روایات از سوی مفسران امامیه و به قول ایشان خرافاتیان بیان نشده و همه این روایات در منابع تفسیری و روایی و کتب معتبر اهل سنت وجود دارد . براین اساس مقام رتبی حضرت در فراز «قدمته علی انبیائک»

براساس شواهد قرآنی و نیز روایات اهل سنت اثبات می‌گردد که نتیجه آن اثبات جایگاه دعای ندبه و اثبات
فرازهای آن در منابع دعایی شیعه است.

منابع

*قرآن مجید

- ۱- آلوسی، سید محمود، **روح المعانی**، بیروت: دارالکتب العلمیہ، ۱۴۱۵ق
- ۲- ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا، **معجم مقاییس اللغة**، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴.ق.
- ۳- ابن منظور، محمد بن مکرم: **لسان العرب**، محقق و مصحح: میر دامادی، بیروت: نشر جمال الدین ۱۴۱۴ ق
- ۴- ابن عاشور، محمد طاهر، **تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور**، چاپ اول، بیروت: مؤسسۃ التاریخ العربی، ۱۴۲۰ ه.ق.
- ۵- ابن عطیہ، عبدالحق بن غالب، **المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز**، بیروت: دار الکتب العلمیہ، منشورات محمد علی بیضون، چاپ: اول، ۱۴۲۲ ه.ق.
- ۶- حوی، سعید، **الاساس فی التفسیر**، ۱۱ جلد، دار السلام - مصر - قاہرہ، چاپ: ۶، ۱۴۲۴ ه.ق.
- ۷- جوہری، اسماعیل بن حمار، **الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیہ**، بیجا: نشر امیری، ۱۳۷۸ ش.
- ۸- راغب اصفہانی، حسین بن محمد، **المفردات فی غریب القرآن**، چاپ اول، دمشق بیروت، دارالعلم، ۱۴۱۲ق
- ۹- زحیلی، وہبہ، **التفسیر الوسیط (زحیلی)**، ۳ جلد، دار الفکر - سوریه - دمشق، چاپ: ۱، ۱۴۲۲ ه.ق.
- ۱۰- زمخشری، محمود بن عمر، **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاول فی وجوه التأویل**، چاپ سوم، لبنان-بیروت، ۴ جلد، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ه.ق.
- ۱۱- صادقی تهرانی، محمد، **ترجمان فرقان: تفسیر مختصر قرآن کریم**، چاپ اول، ایران - قم، ۵ جلد، شکرانہ، ۱۳۸۸ ه.ش
- ۱۲- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، **تفسیر نورالثقلین**، چاپ چهارم، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق

۱۱- طیب، عبدالحسین، **اطیب البیان فی تفسیر القرآن**، ۱۴ جلد، اسلام - ایران - تهران، چاپ: ۲، ۱۳۶۹ ه.ش.

۱۲- طبرسی، فضل بن حسن، **ترجمه تفسیر مجمع البیان**، چاپ اول، تهران، فراهانی

۱۳-.....، **ترجمه تفسیر جوامع الجامع**، چاپ اول، ایران - مشهد مقدس، ۶ جلد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۵ ه.ش

۱۴- طباطبایی، محمدحسین، **ترجمه تفسیر المیزان**، چاپ پنجم، قم جلد، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی - ، چاپ: ۵، ۱۳۷۴ ه.ش.

۱۵- طنطاوی، محمد سید، **التفسیر الوسیط للقرآن الکریم**، ۱۵ جلد، نهضة مصر - مصر - قاهره، چاپ: ۱، ۱۹۹۷ م.

حوی، سعید، **الاساس فی التفسیر**، ۱۱ جلد، دار السلام - مصر - قاهره، چاپ: ۶، ۱۴۲۴ ه.ق.

۱۶- طبری، محمد بن جریر، **جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)**، چاپ اول، لبنان - بیروت، ۳۰ جلد، دار المعرفة، ۱۴۱۲ ه

۱۷- فخر رازی، محمد بن عمر، **التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)**، ۳۲ جلد، دار إحياء التراث العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۳، ۱۴۲۰ ه.ق.

۱۸- فراهیدی، خلیل بن أحمد، **العین**، چاپ دوم، قم، نشر هجرت سال چاپ: ۱۴۰۹ ق

۱۹- فیومی، احمد بن محمد، **المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر الرافعی**، ۱۴۱۴، قم، دارالهجره

۲۰- قرطبی، محمد بن احمد، **الجامع لأحكام القرآن**، چاپ اول، تهران، ۲۰ جلد، ناصر خسرو ۱۳۶۴ ه.ش.

قطب، سید، **فی ظلال القرآن**، ۶ جلد، دار الشروق - لبنان - بیروت، چاپ: ۳۵، ۱۴۲۵ ه.ق.

۲۰- نسفی، عبدالله بن احمد، **تفسیر النسفی مدارک التنزیل و حقایق التاویل**، چاپ اول لبنان - بیروت، ۴ جلد، دار النفائس، ۱۴۱۶ ه.ق.

۲۱- مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، چاپ دهم، ایران - تهران، ۲۸ جلد، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ ه.ش

صادقی تهرانی، محمد، **ترجمان فرقان: تفسیر مختصر قرآن کریم**، ۵ جلد، شکرانه - ایران - قم، چاپ: ۱، ۱۳۸۸ ه.ش.

نسفی، عبدالله بن احمد، تفسیر النسفی مدارک التنزیل و حقایق التاویل، ۴جلد، دار النفائس - لبنان - بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۱۶ ه.ق.

^۱ طنطاوی، محمد سید، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ۱۵جلد، نهضة مصر - مصر - قاهره، چاپ: ۱، ۱۹۹۷ م.

حوی، سعید، الاساس فی التفسیر، ۱۱جلد، دار السلام - مصر - قاهره، چاپ: ۶، ۱۴۲۴ ه.ق.

زحیلی، وهبه، التفسیر الوسیط (زحیلی)، ۳جلد، دار الفکر - سوریه - دمشق، چاپ: ۱، ۱۴۲۲ ه.ق.

ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ۶جلد، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون - لبنان - بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۲۲ ه.ق.

قطب، سید، فی ظلال القرآن، ۶جلد، دار الشروق - لبنان - بیروت، چاپ: ۳۵، ۱۴۲۵ ه.ق.